

۱. مقدمه

به نظر می‌رسد در طول دو دهه گذشته پابندی جوانان به برخی از هنجارهای سنتی - دینی و رسمی حاکم در جامعه کاهش یافته است. سخنان برخی از مدیران و مسئولان کشور و ابراز نگرانی آنان از عدم رعایت برخی از موازین شرعی و عرفی را می‌توان مؤید این ادعا دانست. اظهاراتی مانند «... باید در دانشگاه‌ها آیین‌نامه رفتاری اجرا شود تا دانشگاه‌ها تبدیل به سالن مد نشوند»^۱ (روزنامه شرق ۱۳۸۳، ۲) و یا اشاره به ترفندهای دشمنان در شبهه پراکنی در برابر قوانین نظام جمهوری اسلامی و شیوع مفاسد اخلاقی در جامعه را خطری برای نظام اسلامی توصیف کردن^۲ (دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۳، ۲) و یا بیان این که برخی از افراد با قیافه‌های ناباب و ناجور در خیابان حضور پیدا می‌کنند و قصد دارند جوانان را فریب دهند و این را دهن کجی به نظام دانستن^۳ (روزنامه شرق ۱۳۸۶، ۲) همه حاکی از نگرانی مدیران و مقامات رسمی از گسترش چنین پدیده‌هایی است.

از طرف دیگر برخوردهای انتظامی و قضایی با چنین رفتارهایی رو به افزایش بوده است. بنا به اظهارات فرمانده نیروی انتظامی «با زنان و دخترانی که در خیابان از شلوارک استفاده می‌کنند و پاهای آنان برهنه است و یا افرادی که بدون روسری در جامعه حضور می‌یابند برخورد می‌شود» (روزنامه شرق ۱۳۸۵، ۲). همچنین سخنگوی قوه قضائیه بدحجابی را جرم مشهود عنوان کرد که نیاز به حکم قضایی ندارد و طبق تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ده روز تا دو ماه یا به پنجاه تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند (روزنامه شرق ۱۳۸۵، ۷). شروع طرح گسترده‌ای از اوایل سال ۱۳۸۶ توسط نیروی انتظامی با نام طرح «امنیت اجتماعی» که یکی از اهداف آن مبارزه با موارد نقض هنجارهای رسمی مربوط به پوشش بود نیز نشان از گسترده‌تر شدن این پدیده است. آمار منتشر شده توسط نیروی انتظامی در چند ماه اول اجرای طرح در جدول ۱ آمده است.

از دیگر سو، این برنامه‌ها با مخالفت‌هایی از ناحیه حداقل برخی از دانشجویان روبرو شده است، به عنوان مثال در تجمعی که توسط انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی در اعتراض به مسائل فرهنگی برگزار شد، دانشجویان به محدودیت‌های فرهنگی در این دانشگاه اعتراض کردند. یکی از دانشجویان معترض گفت: اعتراض ما به کنترل توهین آمیز پوشش از سوی نگهبانان دانشگاه می‌باشد (روزنامه شرق ۱۳۸۵، ۶). حتی مخالفت با بخشی از طرح امنیت که ناظر به کنترل پوشش در اماکن عمومی است در حدی از اهمیت بود که به یک مسئله مطرح در مبارزات انتخاباتی در انتخابات ریاست جمهوری دهم (خرداد ۱۳۸۸) تبدیل شد.

جدول ۱. آمار فعالیت نیروی انتظامی در چند ماه اول اجرای طرح امنیت اجتماعی

نوع جرم	بازداشت شدگان	توضیحات
بدحجابی	۲۴۸۲	تذکر به ۶۲۷۸۵ نفر
حمل حیوانات با وسیله نقلیه	۱۳	تذکر به ۶۷ نفر
محصولات ضد فرهنگی	۴۶۵	کشف ۲۰۰۰۰۰۰ اقلام مستهجن
مراکز فساد	۱۱۸	کشف ۴۵۰۰۰۰ بطری انواع مشروبات
مصرف مشروبات الکلی	۲۹۱	تذکر به ۱۴۰ نفر
مجالس لهو و لعب	۱۰۵

مأخذ: روزنامه شرق ۱۳۸۶، شماره ۳۱.

۱. اظهارات حجت‌الاسلام قمی، رئیس سابق نهاد نمایندگی مقام رهبری، در سی و هفتمین گردهمایی معاونان دانشجویی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی.

۲. اظهارات حجت‌الاسلام احمد بهشتی، نماینده فارس در مجلس خبرگان.

۳. صحبت‌های آیت‌الله جنتی، یکی از فقهای شورای نگهبان و خطیب نماز جمعه تهران.

پژوهش‌های پیمایشی که بر اساس نمونه‌ای از جوانان و دانشجویان صورت گرفته نیز حاکی از گستردگی نقض هنجارهای رسمی و سنتی در عرصه‌های فرهنگی است. در پژوهشی که بر اساس نمونه‌ای ۳۶۰ نفره از دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان صورت گرفته است اکثریت دانشجویان:

- دارای نگرش مثبت به روابط دختر و پسر بوده و از عادی‌سازی روابط از دوران کودکی حمایت می‌کردند.
 - با روابط آشکار و علنی، نامحدود و یا تقریباً نامحدود دختران و پسران موافق بودند (روابط تقریباً نامحدود هر نوع رابطه‌ای به جز رابطه جنسی است) و نتیجه چنین روابطی را مثبت می‌دانستند.
 - نسبت به اردوهای مختلط دید مثبت و یا بسیار مثبت داشتند.
 - نسبت به نظارت‌های رسمی به روابط دوستانه دختر و پسر دید منفی و یا حتی به شدت منفی داشتند (قاسمی ۱۳۸۳).
- پژوهش پیمایشی دیگری که بر اساس نمونه‌ای از دانشجویان دانشگاه‌های تحت پوشش وزارت علوم در سراسر کشور انجام شده است نشان می‌دهد که ارزیابی دانشجویان از فراوانی کجروی‌های فرهنگی در بین همقطاران‌شان در حد بالایی است به طوری که نسبت کسانی که شیوع رفتار خاصی را زیاد دانسته‌اند، برای استفاده از موسیقی‌های غیرمجاز، دوستی با جنس مخالف، و تماشای فیلم‌های مستهجن به ترتیب ۶۰، ۸۳ و ۴۰ درصد بود. همچنین نسبت دانشجویانی که اظهار داشتند حداقل یک بار به موسیقی‌های غیرمجاز گوش داده‌اند، فیلم‌های مستهجن را تماشا کرده‌اند، و دوستی از جنس مخالف داشته‌اند به ترتیب ۷۹، ۴۲، و ۲۷ درصد بود (سراج زاده و جواهری ۱۳۸۲).

تمامی موارد ذکر شده حاکی از آن است که نوعی بی‌توجهی نسبت به رعایت قوانین و هنجارهای فرهنگی رسمی و سنتی در کشور وجود دارد که از آن تحت عنوان کجروی فرهنگی می‌توان نام برد. در این مقاله بین این نوع از کجروی با کجروی‌های عمومی (پرخاشگری، دزدی، قتل، مصرف مواد مخدر...) تمایز گذاشته‌ایم. کجروی‌های عمومی در سر تا سر جهان کجروی محسوب می‌شوند و فردی که مرتکب چنین رفتارهایی گردد کجرو یا مجرم و در بسیاری موارد مستوجب مجازات است. ولی منظور از کجروی‌های فرهنگی رفتارهایی هستند که با هنجارهای فرهنگی سنتی و رسمی غالب در کشور ما مغایر هستند در حالی که ممکن است همین رفتارها طبق قواعد و هنجارهای سایر کشورها و جوامع و حتی در مواردی هنجارها و ارزش‌های خرده‌فرهنگ‌های داخلی از جمله برخی خرده‌فرهنگ‌های قومی نیز کژرفتاری به حساب نیایند.

با توجه به شواهدی که درباره گسترش نقض هنجارهای فرهنگ رسمی و سنتی ارائه شد، پرسش‌های اصلی این مقاله این است که:

۱. میزان نقض این هنجارها در بین جمعیت مورد مطالعه تا چه حد است؟ آیا کجروان فرهنگی افراد پراکنده و معدودی هستند که برخی از هنجارهای مورد نظر را نقض می‌کنند یا فراوانی کجروی‌های فرهنگی در حدی است که می‌توان از وجود یک خرده‌فرهنگ متمایز سخن گفت؟
۲. آیا نقض این هنجارهای فرهنگی از نظر عاملان نوعی اعتراض و مقاومت بر علیه نظام فرهنگی و سیاسی مسلط است یا صرفاً جلوه‌ای از پذیرش جنبه‌هایی از یک شیوه زندگی متفاوت می‌باشد؟

۲. پیشینه پژوهش

در کشورهای غربی بعد از طرح دیدگاه‌های استوارت هال و رویکرد مطالعات فرهنگی بیرمنگام بحث و گفتگوهای فراوانی درباره این که آیا هنجارشکنی و یا حتی ارتکاب جرم توسط جوانان و سایر اقشار اجتماعی دلالت‌های مقاومتی دارد یا خیر جریان داشته و در این باره پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است. هبیدیچ از جمله افرادی بود که به مطالعه پدیده‌هایی پرداخت که هژمونی را به مبارزه می‌طلبد. مطالعه موردی او از فرهنگ جوانان انگلیسی نشان می‌دهد که گروه‌های پانک، ماد... از طریق لباس‌هایی که می‌پوشند و تصاویری که ارائه می‌دهند هژمونی را به مبارزه می‌طلبد (Hebdige 1979, 101-109); سازمان ملی جوانان بی.تا، ۳۹-۲۴). همچنین در پژوهشی بر اساس پرونده ۵۵۶ نفر از استفاده‌کنندگان مواد مخدر در کانادا، که اصولاً از طبقه فقیر و کارگر بودند، مشخص شد

که استفاده کنندگان مواد مخدر این رفتار را به عنوان یک رفتار معنادار و نماد مخالفت، مقاومت و اعتراض در برابر هنجارهای رسمی جامعه به کار می‌برند (Carstairs 2002, 1-2).

در ایران، در سال‌های اخیر تحقیقاتی در بین جوانان (عمدتاً دانش آموزان و دانشجویان) در باره میزان گرایش به برخی از عناصر فرهنگ غربی یا مدها و سبک‌های زندگی غربی مغایر با هنجارهای فرهنگی سنتی و رسمی غالب صورت گرفته است. اغلب این تحقیقات حاکی از آن است که برخی از هنجارشکنی‌های فرهنگی رو به افزایش بوده است و یا نگرش افراد به رفتارهایی که بر اساس قوانین و مقررات فرهنگی کشور جرم و یا نابهنجار محسوب می‌شوند مثبت بوده است (طالبان ۱۳۷۸؛ قاسمی ۱۳۸۳؛ سراج زاده ۱۳۸۳؛ سراج زاده و جواهری ۱۳۸۳). با آن که در گفتگوهای ژورنالیستی و یا سیاسی گاه داوری‌هایی درباره دلالت‌های این نوع هنجارشکنی‌ها از حیث این که دال بر مقاومت و اعتراض هستند یا خیر دیده می‌شود، شمار پژوهش‌هایی که به این بحث پرداخته اند انگشت شمار است. شهابی (۱۳۸۱) در پژوهشی درباره انگیزه گرایش جوانان به استفاده از ویدئو که در سال ۱۳۷۶ بر روی نمونه‌ای ۴۵۰ نفره از دختران و پسران دبیرستان‌های تهران انجام داد نتیجه می‌گیرد که بر خلاف تصویری که در باره مصرف رسانه‌ای (ویدئویی) جوانان وجود داشت و آن را با انگیزه سیاسی و نوعی مقاومت نمادین در برابر وضعیت حاکم بر جامعه تلقی می‌کردند، چنین مصرفی فاقد انگیزه سیاسی بوده است. به نظر او عوامل موثر در این گرایش عبارت بودند از: جاذبه جنسی، منزلت طلبی در بین دوستان، هدایت سبک زندگی جهان وطنانه، ارضای حس کنجکاوی، نارضایتی از تلویزیون ملی، علاقه به مقایسه فرهنگی در زمان و مکان، و نیاز به تعامل اجتماعی (شهابی ۱۳۸۱).

در پژوهش دیگری (Moaveni 2006) که با روش کیفی (مصاحبه و مشاهده مشارکتی) طی دو سال انجام شد، تعدادی از جوانان ایران که عمدتاً متولدان دوره انقلاب بودند مورد مصاحبه و مشاهده قرار گرفتند. پرسش‌های این پژوهش عمدتاً سیاسی و ناظر به ویژگی‌های حکومت در ایران و نگرش جوانان نسبت به حکومت و فرهنگ آمریکایی است. نتیجه گیری محقق این است که جامعه ایران از نظر فرهنگی گنج و سردرگم است. به نظر او جوانان از سبک زندگی مغایر با هنجارهای رسمی (صدای بلند موسیقی، شرکت در پارتی، بیرون گذاشتن موها، استفاده از رژ لب و ...) به عنوان کنش آگاهانه‌ای برای اعمال قدرت در خیابان‌ها و معابر عمومی استفاده می‌کنند، یا به عبارتی از آن برای مخالفت با سیاست‌های فرهنگی حاکم استفاده می‌کنند. به نظر معاونی حکومت و پارلمان به هیچ عنوان این سبک‌ها را تصدیق نمی‌کند، اما جوانان و دختران با این رفتار و از طریق سرپیچی از الگوهای فرهنگی یک جنبش آگاهانه، آرام و وسیع را در پیش گرفته‌اند.

در تحقیق شهابی (۱۳۸۱) در ضمن بحث درباره عوامل موثر بر مصرف ویدئو توسط دانش آموزان دبیرستانی به موضوع دلالت‌های مقاومتی و اعتراضی توجه شده است. به نظر می‌رسد مطالعه صرف مصرف ویدئو آن هم در بین یک جمعیت دانش آموزی برای نتیجه گیری درباره اعتراضی بودن یا نبودن این نوع رفتارها کافی نباشد. در مطالعه معاونی اما به نظر می‌رسد نوعی سوگیری سیاسی مخالف در پژوهشگر وجود دارد که ممکن است موجب بایاس نمونه هم شده باشد. بنابراین بر اساس نتایج این دو پژوهش نمی‌توان به یک تعمیم کلی درباره مضمون مقاومتی نقض هنجارهای فرهنگی دست زد. به علاوه، با توجه به نتایج متعارض این دو پژوهش در باره مضمون اعتراضی کجروی‌های فرهنگی می‌توان نتیجه گرفت که انجام مطالعات بیشتری در این زمینه ضرورت دارد.

۳. چهارچوب نظری

پرسش این مقاله ناظر به میزان گستردگی نقض هنجارهای فرهنگ رسمی و سنتی (کجروی فرهنگی) و دلالت‌های مقاومتی و اعتراضی آن است. هدف این بررسی عوامل موثر بر بروز و اشاعه این رفتارها یا تبیین این پدیده نیست. در نتیجه، مفاهیم و نظریه‌هایی مورد استفاده قرار می‌گیرند که به توصیف و فهم دلالت‌های هنجارشکنیهای فرهنگی کمک کنند. این مفاهیم و نظریه‌ها که به عنوان چارچوب مفهومی و نظری بحث مورد استفاده قرار می‌گیرند عبارتند از دو نظریه تضاد فرهنگی و نظریه خرده فرهنگ بیرمگام.

۱-۳. نظریه تضاد فرهنگی

فرض نظریه‌های تضاد این است که جامعه، به خصوص جامعه مدرن صنعتی متشکل از گروه‌های متکثر و متنوعی است که دارای علائق، ارزش‌ها و منافع متفاوت و گاه متعارضی هستند. تضاد فرهنگی ناظر به تعارض ارزش‌ها و هنجارهاست. براین اساس، آنچه که بر اساس نظام ارزش‌ها و هنجارهای یک خرده‌فرهنگ درست و به هنجار تلقی می‌شود، بر اساس معیارهای خرده‌فرهنگ دیگر نادرست و ناهنجار ارزیابی می‌شود. تضاد و کشمکش بین گروه‌ها بر اساس قدرتی که است به وسیله آن رفتارها مطلوب و یا نامطلوب تعریف می‌شود. از نگاه نظریه پردازان این گروه در جوامع خرده‌فرهنگ‌های گوناگونی وجود دارد که بر اساس نظام هنجاری خود به زندگی عادی خود می‌پردازند ولی گروه‌های مسلط بر اساس هنجارهای خود قوانین را تنظیم می‌کنند و رفتارهای دیگر خرده‌فرهنگ‌ها را کجروی و جرم تعریف کرده با آنها برخورد می‌کنند. به نظر آنان گروه‌های حاکم در جامعه از قوانین به عنوان ابزار کنترل افراد فرودست جامعه استفاده می‌کنند. کسانی که بر اساس یک خرده‌فرهنگ متفاوت رفتار خود را تنظیم می‌کنند از نظر گروه‌های مسلط مجرم و کجرو معرفی می‌شوند، در حالی که آنها فقط به خاطر این که بر اساس هنجارهای فرهنگی خود زندگی می‌کنند، در موضع معارضه با فرهنگ و نظام اخلاقی غالب قرار می‌گیرند (صدیق سروستانی ۱۳۸۳، ۳۴-۳۵؛ ولد و دیگران ۱۳۸۰، ۳۱۹-۳۲۰؛ ممتاز ۱۳۸۱، ۱۳۸؛ Horton and Hunt 1987, 176؛ Siegel and Senna 1997, 161-162). با استناد به این نظریه می‌توان استدلال کرد که تاثیر صد ساله فرهنگ غربی بر جامعه ایران سبب شکل‌گیری خرده‌فرهنگ غرب‌گرا (جهانی) شده است که عناصر آن با فرهنگ رسمی غالب سنتی تفاوت دارد. از طرف دیگر جامعه ایران از اقوام (فارس، کرد، ترک و...) و مذاهب مختلف تشکیل شده است که هر یک دارای خرده‌فرهنگ خاص خود می‌باشند. گروه‌های مسلط (مدیریت اجرایی کشور) در عرصه فرهنگ، قوانین و مقررات را بر اساس نظام هنجاری خود و بدون توجه به خرده‌فرهنگ‌ها، سلیقه‌ها و مذاهب و از همه مهم‌تر خرده‌فرهنگ غرب‌گرا (جهانی) موجود در کشور تدوین می‌کند و انتظار دارند همگان از آن تبعیت کنند. لذا افرادی که بر اساس هنجارها و ارزش‌های فرهنگ خاص خود و یا بر اساس ارزش‌های خرده‌فرهنگ غرب‌گرا (جهانی) رفتار می‌کنند به عنوان کجرو و مجرم شناخته می‌شوند.

۲-۳. نظریه خرده‌فرهنگی بیرمگام

این نظریه با الهام از مباحث استوارت هال که با اتخاذ یک رویکرد نومارکیستی بر اهمیت طبقه، قومیت، و جنسیت در تحلیل فرهنگ جوانان تاکید داشت، شکل گرفت. "مفهوم مقاومت فرهنگی" مفهوم اصلی مورد استفاده این نظریه برای تحلیل رفتار جوانان طبقه کارگر و مقاومت خاموش آنان در برابر اقتدار دولت بود. هال و همکارانش در کتاب "مقاومت از طریق مناسک" (1976) خرده‌فرهنگ‌های متنوع جوانان طبقه پایین و متوسط را مطالعه کردند و استدلال کردند که هر دو گروه از طریق سبک زندگی خاص خود در پی ابراز مخالفت با مفروضات ایدئولوژیک نظام سرمایه‌داری بودند. از نظر آنان خرده‌فرهنگ‌ها در اصل صورت‌های مقاومت در برابر فرهنگ مسلط سرمایه‌داری هستند. نظریه‌پردازان دیگری مثل پل ویلیس (1990) و مک رابی (1994) از تاکید بر عامل طبقاتی در تبیین خرده‌فرهنگ‌ها فاصله گرفتند و بر عوامل جنسی، سنی، و قومیتی هم تاکید کردند (Slattery 2003, 205-206). به نظر دیک هبدایچ خرده‌فرهنگ‌ها صورت‌های بیانی هستند که یک تنش اساسی بین صاحبان قدرت و فرودستان را ابراز می‌کنند. این تنش‌ها به صورت هنری و مجازی و سبک خرده‌فرهنگی ابراز می‌شود (Hebdige 1979, 132). خرده‌فرهنگ‌ها از طریق سبک‌های متفاوت، هویت متفاوتی را ابراز می‌کنند و نسبت به نظم اجتماعی مسلط اعتراض کرده آن را مورد چالش قرار می‌دهند. به نظر او فرهنگ جوانان فرهنگی مقاوم در برابر سلطه طبقاتی است که از طریق انواع مختلفی از سبک‌ها این مقاومت صورت می‌گیرد. از دید نظریه‌پردازان این گروه فعالیت‌های خرده‌فرهنگی جوانان در برگیرنده عناصری از مقاومت در برابر سلطه و چیرگی طبقه حاکمه است (سازمان ملی جوانان ۱۳۸۳، ۲۴-۳۷؛ Hebdige 1979, 100-101). با توجه به نظریه‌های خرده‌فرهنگی بیرمگام، که خرده‌فرهنگ جوانان را سمبل و نماد مقاومت در برابر قدرت از طریق سبک‌های رفتاری، پوشش، موسیقی و غیره می‌دانند، می‌توان استدلال کرد که نقض هنجارهای فرهنگ رسمی و سنتی

توسط گروه‌هایی از جوانان ایرانی می‌تواند در واقع نوعی اعتراض و مقاومت در برابر فرهنگی رسمی غالب و حکومتی باشد. این ادعایی است که این مقاله در پی آزمون آن است؟

با توجه به دلالت‌های نظریه‌های تضاد فرهنگی و خرده‌فرهنگ بیرنگام و همچنین یافته‌های پژوهش‌های پیشین دو فرضیه زیر به عنوان فرضیه‌های اصلی این مقاله مطرح می‌شوند:

- عمومیت کجروی‌های فرهنگی در بین جوانان متعلق به برخی از قشرها و گروه‌های اجتماعی در حدی است که می‌توان از شکل‌گیری یک خرده‌فرهنگ جوانان با هنجارهای متفاوت با فرهنگ رسمی - سنتی سخن گفت.
- از نظر برخی کجروان فرهنگی، به خصوص آنان که میزان بالایی از کجروی‌ها را دارند، رفتار آنان نوعی اعتراض و مقاومت در برابر فرهنگ و سیاست غالب در جامعه است.

۴. روش

داده‌های مورد استفاده برای بررسی پرسش‌های این مقاله از یک پژوهش پیمایشی به دست آمده است که در آن واحد تحلیل و واحد مشاهده فرد می‌باشد. در این پیمایش ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه با گویه‌ها و پرسش‌های بسته بود که خود پاسخگویان آن را پر کردند. زمان گردآوری اطلاعات خرداد ماه ۱۳۸۶ بود. علاوه بر این، برای فهم بهتر معنای عمل پاسخگویان، با ۱۰ نفر از کسانی که به نحو بارزی هنجارهای رسمی مربوط به آرایش و پوشش را نقض می‌کردند درباره انگیزه‌ها و دلالت‌های رفتار آنان مصاحبه به عمل آمد.

۴-۱. جمعیت و نمونه

جمعیت آماری، دانشجویان کارشناسی دانشگاه شهید بهشتی در سال تحصیلی ۱۳۸۶-۱۳۸۵ بودند. تعداد دانشجویان در مقطع کارشناسی در این سال تحصیلی ۹۷۵۹ نفر بود که با دقت احتمالی $d = 0/05$ و با ۹۵ درصد احتمال صحت برآورد و با فرض بیشترین ناهمگنی متغیرهای مورد مطالعه ($p = q = 0/5$) نمونه مناسب ۳۷۶ نفر برآورد شد. این تعداد از افراد به صورت طبقه‌ای نسبی بر اساس دانشکده و جنسیت در یازده دانشکده به صورت اتفاقی انتخاب شدند.

۵. تعریف نظری و عملیاتی مفاهیم و متغیرها

۵-۱. کجروی فرهنگی

منظور از کجروی‌های فرهنگی رفتارهایی است که بر اساس معیارهای اخلاقی و نظام هنجاری سنتی اسلامی و هنجارهای رسمی غالب ناپسند و گاه جرم به حساب می‌آیند (سراج زاده ۱۳۸۳). برای اختصار هر جا از کجروی فرهنگی صحبت می‌شود منظور نقض هنجارهای فرهنگ دینی-سنتی و فرهنگ غالب رسمی در جامعه ایران است. متغیر کجروی فرهنگی خود به دو بعد ذهنی و عینی تقسیم شد. در بعد ذهنی، نگرش افراد نسبت به برخی از مصادیق کجروی‌های فرهنگی، مثل جشن گرفتن روز والتاین و روز جهانی زن، عدم رعایت هنجارهای دینی سنتی در پوشش و اختلاط دو جنس، نگهداری حیواناتی مثل سگ در خانه، مصرف مشروبات الکلی، ارزیابی شد. در بعد عینی میزان عملی نقض این هنجارها توسط پاسخگویان سنجیده شد (گویه‌های این دو بعد در جدول ۱ و ۲ ضمیمه آمده است). همچنین اندازه آلفای کرونباخ برای هر دو بعد کجروی فرهنگی و برای کل آن حدود ۰/۹ به دست آمد که نشان دهنده پایایی بالای سنجه‌ها می‌باشد (جدول ۱ و ۲ ضمیمه).

۵-۲. مقاومت

بر اساس برخی از نظریه‌های خرده‌فرهنگ در بریتانیا سبک پوشش، زندگی، موسیقی ... می‌تواند سمبل و نماد مقاومت و مخالفت سیاسی در برابر حاکمیت و قدرت باشد. به نظر می‌رسد در شرایطی که کانال‌های کافی برای بیان و اظهار عقیده موجود نمی‌باشد و صاحبان قدرت دیدگاه‌های اکثریتی از جامعه را در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی نادیده می‌گیرند رفتارهایی که از نظر صاحبان قدرت کجروی و ناهنجاری تلقی می‌شود می‌تواند به عنوان سمبل و نماد مقاومت باشد. با آنکه نظریه خرده‌فرهنگ بریتانیا گرایش دارد که به هر نوع بروز سبک‌های خرده‌فرهنگی معنای

مقاومت بدهد، ولی لازم است به معنای عمل از نظر کنشگران توجه شود. بنابراین در این مقاله مقاومت بر اساس توجه آگاهانه کنشگران به دلالت‌های اعتراضی رفتارشان تعریف شده است.

برای بررسی این متغیر در سه پرسش از افراد سوال شد که آیا تا کنون از چنین رفتارهایی به عنوان سمبل و نماد مقاومت در برابر حکومت و فرهنگ غالب استفاده نموده‌اند یا نه؟ همچنین در یک گویه نظر پاسخگویان درباره مضمون مقاومت داشتن رفتار کجروانه سایرین پرسیده شد. پرسش‌های مربوط به سنجه مقاومت در جدول ۵ قابل مشاهده است. آلفای محاسبه شده برای ۳ پرسش اول ۰/۸۶ و با احتساب پرسش چهارم ۰/۸۱ بود که نشانه پایایی کاملاً رضایت بخش سنجه است.

اعتبار سنجه‌های کجروی و مقاومت از طریق اعتبار محتوای و صوری و بر اساس نظر چند نفر از اساتید و صاحب‌نظران هم بررسی و تایید شد.

۶. یافته‌های پژوهش

۱-۶. ویژگی‌های جمعیتی پاسخگویان

جمعیت نمونه این پژوهش را دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی (ملی سابق) تشکیل می‌دهند. در نمونه مورد بررسی ۵۵/۹ درصد افراد زن و ۴۴/۱ درصد مرد بودند. از نظر قومیت، بیشترین تعداد ۵۵/۶ درصد فارس، ۱۵/۲ درصد ترک، و ۱۲/۵ درصد کرد بودند. سایر اقوام ۱/۸ درصد از پاسخگویان را تشکیل می‌دادند. از نظر پایگاه اجتماعی، در حدود ۳۲/۴ درصد به پایگاه اجتماعی بالا، ۵۱/۶ درصد به پایگاه اجتماعی متوسط و ۱۶ درصد به پایگاه پایین تعلق دارند.^۴ به لحاظ سن جمعیت نمونه بین ۱۸-۲۹ سال با میانگین سنی ۲۱/۱۸ قرار دارند که بیشترین افراد در گروه سنی ۲۱-۲۰ (۴۱/۸ درصد) و سپس در گروه سنی ۱۹-۱۸ (۲۲/۱ درصد) و بقیه (۳۶/۲ درصد) نیز ۲۲ سال به بالا بودند.

۲-۶. کجروی فرهنگی

همان گونه که گفته شد متغیر کجروی فرهنگی به دو بعد ذهنی و عینی تقسیم شده است. وضعیت پاسخگویان از نظر نگرش نسبت هنجارهای فرهنگ رسمی و سنتی بعد ذهنی و نیز توزیع فراوانی آنان از نظر انجام کجروی‌های فرهنگی در جدول‌های پیوست و توزیع فراوانی رتبه بندی شده شاخص‌های کجروی در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. توزیع نسبی پاسخگویان از نظر ابعاد ذهنی و عینی شاخص کجروی فرهنگی

کجروی فرهنگی	بالا	متوسط	پایین
بعد ذهنی (نگرش)	۲۸/۲	۲۳/۷	۴۸/۱
بعد عینی (رفتار)	۵/۶	۳۵/۶	۵۸/۸

همان گونه که جدول ۲ نشان می‌دهد، بر اساس سنجه ذهنی کجروی فرهنگی، بیش از یک چهارم (۲۸ درصد) پاسخگویان نگرش مثبتی نسبت به کجروی‌های فرهنگی دارند، گرایش نزدیک یک چهارم (۲۴ درصد) در حد متوسط است و نزدیک نیمی (۴۸ درصد) گرایش پایینی دارند. توجه به میزان اظهار موافقت (کاملاً موافق و موافق) پاسخگویان با گویه‌های مربوط به کجروی فرهنگی تصویر دقیق‌تری از گرایش آنان نشان می‌دهد:

- تهیه هدیه برای دوست در روز ولتاین (۷۴/۵٪)
- جرم ندانستن پوشش و آرایش نامناسب (۵۸٪)
- عدم رعایت پوشش در مهمانی‌ها (۴۳/۶٪)

۱. پایگاه اجتماعی با ترکیب متغیرهای درآمد، تحصیلات پدر و مادر و منزلت شغلی پدر ساخته شده است.

گرفتن جشن در روز جهانی زن	۴	(/۴۲/۶)
دوستی و رابطه دختر و پسر	۵	(/۴۱/۲)
نگهداری حیوانات در منزل	۶	(/۳۱/۲)
استفاده از مدل لباس غربی	۷	(/۲۵/۳)
مصرف مشروبات الکلی	۸	(/۲۲/۶)

(برای اطلاعات تفصیلی تر رجوع شود به جدول ۱ پیوست).

به این ترتیب حدود ۴۰ درصد و بیشتر با اکثر موارد مطرح شده موافق بوده‌اند و کمترین میزان موافقت با مصرف مشروبات الکلی بوده است که نزدیک یک چهارم (۲۳ درصد) با آن موافق بوده‌اند.

بر اساس سنجه ساخته شده برای بعد عینی یا رفتاری کجروی فرهنگی، همان طور که جدول ۲ نشان می‌دهد، بیش از نیمی (۵۹) از دانشجویان در این سنجه در مرتبه پایین، بیش از یک سوم (۳۶ درصد) در مرتبه متوسط و حدود ۶ درصد در حد بالایی از کجروی فرهنگی قرار داشتند. به این ترتیب نزدیک به نیمی از پاسخگویان عملاً در حد متوسط به بالا هنجارهای فرهنگی مورد نظر را نقض کرده‌اند. برای ارائه تصویری تفصیلی و دقیق از هنجارهایی که نقض می‌شوند لازم است تک تک رفتارها مورد توجه قرار گیرند. برای این کار، اگر نسبت کسانی که اظهار داشتند اصلاً یا به ندرت چنین رفتاری داشته‌اند را به منزله همنویان با هنجار فرهنگی خاص و کسانی که اظهار داشته‌اند گاهی، بیشتر اوقات و همیشه چنین رفتاری داشته‌اند را به منزله ناهمنویان یا هنجارشکنان در نظر بگیریم نسبت مربوط به ناهمنویان به ترتیب بیشترین هنجارشکنی به شرح زیر خواهد بود:

۱. گوش دادن به موسیقی غیرمجاز	(/۸۷/۶)
۲. تماشای فیلم های غیرمجاز	(/۷۴/۵)
۳. استفاده از سایت های خبری غیرمجاز	(/۶۳/۵)
۴. پوشیدن مدل های لباس به سبک غربی	(/۵۸/۲)
۵. عدم رعایت حجاب در مهمانی های دوستانه	(/۵۲/۹)
۶. دوستی و رابطه نزدیک با جنس مخالف	(/۵۱/۹)
۷. استفاده از سایت های غیر خبری غیرمجاز	(/۵۰/۸)
۸. تهیه هدیه برای جنس مخالف در روز ولنتاین	(/۳۷)
۹. حضور در مجلس استفاده از مشروبات الکلی	(/۳۶/۲)
۱۰. شرکت در برنامه ها و مراسم روز جهانی زن	(/۲۴/۶)
۱۱. شرکت در پارتی های مختلط غیر خانوادگی	(/۲۱/۹)
۱۲. مصرف مشروبات الکلی	(/۱۷/۵)
۱۳. نگهداری حیوانات در داخل منزل	(/۱۷/۳)
۱۴. خوردن و آشامیدن در ملا عام در ماه رمضان	(/۱۶/۵)
۱۵. شرکت در فرقه های مذهبی غیراسلامی	(/۱۶/۵)
۱۶. دریافت تذکر از پلیس یا ماموران کمیته انضباطی	(/۱۴/۴)

(برای اطلاعات تفصیلی تر رجوع شود به جدول ۲ پیوست)

این یافته‌ها حاکی از آن است که میزان نقض هنجارهای مربوط به مصرف کالاهای فرهنگی غیرمجاز (موسیقی، فیلم، و سایت های غیرمجاز خبری و غیرخبری در میان پاسخگویان بسیار گسترده است (حدود سه چهارم). حدود نیمی هنجارهای مربوط به روابط دو جنس و رعایت پوشش را تا حدی نقض می‌کنند. بین یک سوم تا یک چهارم از پاسخگویان به دیدگاه رسمی و سنتی مربوط به نادرستی همراهی با فرهنگ غربی یا جهانی در مواردی مثل روز ولنتاین

و روز جهانی زن بی توجه هستند. حدود یک سوم تجربه حضور در مجالس مصرف مشروبات الکلی را داشته و نزدیک یک پنجم شخصا مصرف کرده‌اند. حتی نسبت کسانی که به خاطر نقض هنجارهای مربوط به پوشش به صورت رسمی مورد مواخذه قرار گرفته و از پلیس یا کمیته انضباطی اخطار گرفته‌اند به حدود ۱۵ درصد می‌رسد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که نقض هنجارهای فرهنگ رسمی و سنتی در بین نمونه مورد بررسی در حد قابل ملاحظه‌ای جریان دارد.

۳-۶. تفاوت گروه‌های مختلف از نظر کجروی فرهنگی

برای آگاهی از تفاوت قشرها و گروه‌های مختلف پاسخگویان از نظر گرایش به کجروی‌های فرهنگی شاخص کلی کجروی فرهنگی با متغیرهای زمینه‌ای جنسیت، سن، قومیت، پایگاه اجتماعی، و مذهبی بودن خانواده در ارتباط گذاشته شد و نتیجه در جدول‌های ۳ و ۴ آمده است.

بر اساس اطلاعات جدول ۳ هر چند که نسبت کجروان فرهنگی در بین زنان اندکی کمتر از مردان است ولی این تفاوت از نظر آماری معنی‌دار نیست. فراوانی کجروی‌های فرهنگی در بین گروه‌های سنی بالاتر اندکی بیشتر است ولی این تفاوت هم از نظر آماری معنی‌دار نمی‌باشد. قومیت هم تفاوت قابل ملاحظه و معنی‌داری را در ارتباط با کجروی نداشته است. در مجموع در نمونه مورد بررسی، این سه متغیر زمینه‌ای عامل تفاوت قابل ملاحظه‌ای در ارتباط با سنجه کل کجروی فرهنگی نیستند، هر چند که ممکن است اگر به تفکیک مولفه‌ها و معرف‌های سنجه بررسی شوند تفاوت‌های معنی‌داری به خصوص در ارتباط با جنسیت دیده شود. در مقابل، همان‌طور که جدول ۴ نشان می‌دهد، دو متغیر پایگاه اجتماعی اقتصادی و مذهبی بودن خانواده پاسخگویان رابطه معنی‌دار و قابل ملاحظه‌ای با سنجه کجروی فرهنگی دارند. به طوری که نسبت افراد دارای کجروی فرهنگی بالا که متعلق به پایگاه بالا هستند بیش از دو برابر افراد متعلق به پایگاه پایین است. در مقابل، مذهبی بودن خانواده رابطه معکوس چشمگیری با کجروی فرهنگی دارد. به طوری که نسبت افراد دارای کجروی فرهنگی بالا که متعلق به خانواده‌های با دینداری پایین هستند بیش از ده برابر افراد متعلق به خانواده‌های با دینداری بالا است. با وجود این، حتی در بین افرادی که دینداری خانواده‌هایشان بالا است، حدود ۴۰ درصد افراد دارای کجروی فرهنگی متوسط به بالا هستند.

جدول ۳. بررسی رابطه متغیرهای زمینه‌ای با کجروی‌های فرهنگی

شدت و معناداری رابطه	کجروی‌های فرهنگی				متغیرهای مستقل	
	جمع	بالا	متوسط	پایین		
v=0/75 Sig=349	۲۱۰	۱۲/۹	۴۱/۹	۴۵/۲	زن	جنسیت
	۱۶۶	۱۱/۴	۴۹/۴	۳۹/۲	مرد	
v=105 Sig=221	۲۰۹	۱۲/۹	۴۱/۱	۴۵/۹	فارس	قومیت
	۵۷	۱۵/۸	۵۰/۹	۳۳/۳	ترک	
	۴۷	۱۴/۹	۵۱/۱	۳۴/۰	کرد	
	۶۳	۴/۸	۴۹/۲	۴۶/۰	سایر	
Kendalls tau-c = 0/045 Sig=0/307	۸۲	۹/۸	۴۱/۵	۴۸/۸	۱۹-۱۸	سن
	۱۵۷	۱۱/۵	۴۹	۳۹/۵	۲۱-۲۰	
	۱۳۶	۱۴/۷	۴۳/۴	۴۱/۹	۲۲ به بالاتر	

جدول ۴. بررسی رابطه متغیرهای زمینه‌ای (مربوط به ویژگی‌های خانواده) با کجروی‌های فرهنگی

شدت رابطه و معناداری	کجروی‌های فرهنگی				متغیرهای مستقل	
	جمع	بالا	متوسط	پایین		
Kendall tua=	۶۰	۸/۳	۲۶/۷	۶۵	پایین	پایگاه

0/196 Sig=0/000	۱۹۴	۸/۸	۴۷/۹	۴۳/۳	متوسط	اجتماعی اقتصادی
	۱۲۲	۱۹/۷	۵۰/۰	۳۰/۳	بالا	
Kendall c= -0/420 Sig=0/000	۳۱	۵۴/۸	۴۵/۲	۰/۰	پایین	مذهبی بودن خانواده
	۱۰۳	۱۸/۴	۶۸/۰	۱۳/۶	متوسط	
	۲۴۲	۴/۱	۳۵/۵	۶۰/۳	بالا	

۴-۶. مقاومت یا مخالفت نمادین با نظام فرهنگی سیاسی

پرسش اصلی دیگر این مقاله این است که آیا نقض هنجارهای فرهنگ رسمی و سنتی به معنای مقاومت و اعتراض در برابر نظام اقتدار در جامعه است؟ برای سنجش این متغیر از چهار گویه استفاده شده است که سه گویه اول آن مربوط به مقاومت خود پاسخگویان می باشد و گویه آخر نیز نظر پاسخگویان را درباره انگیزه سایر جوانان از چنین رفتارهایی جویا می شود. نتایج و اطلاعات جدول ۵ نشان می دهد که حدود نیمی (۴۶ درصد) از افراد نمونه اظهار داشته اند که با نادیده گرفتن هنجارهای رسمی - سنتی بیزاری خود را از فرهنگ مسلط حاکمان ابراز نموده اند. حدود یک سوم نیز اظهار داشته اند از این طریق با برخی اقدامات دولت مخالفت خود را نشان داده اند (۳۶ درصد) و یا می خواسته اند از طریق مدل و سبک پوشش نشان دهند که فرهنگ سنتی را قبول ندارند (۳۴ درصد). در عین حال بیش از ۷۰ درصد دانشجویان دلیل گرایش جوانان به استفاده از سبک و مدل لباس های خارجی را تنوع طلبی آنان می دانند و اعتقاد دارند که جوانان در این نوع سبک پوشش و رفتار هدف سیاسی خاصی را دنبال نمی کنند. همچنین موافقت با دو گویه ای که مقاومت سیاسی (مخالفت با دولت و حاکمیت) را القا می کنند اندکی بیش از موافقت با گویه ای است که مقاومت صرفاً فرهنگی (مخالفت با فرهنگ سنتی) را القا می کند.

جدول ۵. توزیع درصد فراوانی پاسخگویان در گویه های مربوط به مقاومت

میزان (%)	همیشه	بیشتر اوقات	گاهی	به ندرت	اصلاً	میانگین از ۵
پیش آمده که شما خواسته باشید از طریق نوع پوشش یا وضع ظاهر تان مخالفتی را نسبت به برخی از اقدامات دولت ابراز کرده باشید.	۳/۷	۶/۶	۱۱/۲	۱۳/۸	۶۴/۶	۱/۷
پیش آمده که با استفاده از مدل های پوشش و آرایش خارجی به دیگران نشان دهید که فرهنگ سنتی را قبول ندارید.	۲/۷	۳/۲	۱۱/۷	۱۵/۷	۶۶/۸	۱/۵
با اصرار در نادیده گرفتن هنجار های رسمی و سنتی در زمینه های فرهنگی بخواهید بیزاری خود را از فرهنگ مسلط حاکمان نشان دهید.	۵/۳	۵/۹	۱۵/۲	۱۹/۴	۵۴/۳	۱/۸
جوانان تنوع طلب اند لذا در سبک رفتار و پوشش هدف سیاسی خاصی را دنبال نمی کنند.	۲۴/۵	۵۲/۴	۱۴/۶	۷/۷	۰/۸	۲/۰
سنجه مقاومت	بالا	متوسط	پایین	میانگین از ۳		
ضریب آلفای کرونباخ	۳/۲	۱۵/۲	۸۱/۶	۱/۲		

ارقام ردیف پایین جدول ۵ که سطح بندی نگرش مقاومتی را بر اساس سنجه ساخته شده نشان می دهد، حاکی از آن است که از نظر اکثریت قابل توجهی (حدود ۸۰ درصد) از دانشجویان نمونه، نقض هنجارهای مربوط به پوشش و سایر هنجارهای فرهنگی دلالت بر مقاومت در مقابل سیاست و فرهنگ حاکم نیست و حدود ۲۰ درصد این نوع رفتار را تاحدی نماد مقاومت و مخالفت می دانند و از آن استفاده می کنند. با وجود این، از آنجا که همه پاسخگویان به یک میزان ناقض هنجارهای فرهنگی نیستند و برخی از آنها هم همنا هستند، برای روشن تر شدن بحث لازم است بینیم کسانی که به میزان زیادتری هنجارهای فرهنگی را نقض می کنند چه نظری درباره دلالت های مقاومتی آن دارند. به این منظور سنجه مقاومت با سنجه گرایش به کجروی در تقاطع گذاشته شد.

جدول ۶: بررسی رابطه کجروی فرهنگی (ذهنی + عینی) با مقاومت

کجروی فرهنگی				متغیر	
کل	بالا	متوسط	پایین		
۸۱/۶	۴۱/۳	۷۷/۶	۹۷/۵	کم	مقاومت
۱۱/۲	۲۱/۷	۱۶/۵	۲/۵	متوسط	
۷/۲	۳۷/۰	۵/۹	۰/۰	زیاد	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	کل	
Sig=0/000 Gamma=0/819 kendalls tau c = 0/273					

همان طور که جدول ۶ نشان می دهد، بین کجروی فرهنگی و مقاومت رابطه متوسط به بالای مثبتی وجود دارد (گاما ۰/۸۲ و کندال ۰/۲۷). حدود ۶۰ درصد از افرادی که در حد بالایی از کجروی فرهنگی قرار دارند این نوع رفتارها را در حد متوسط و زیاد سمبل مخالفت و مقاومت فرهنگی و سیاسی می دانند. نسبت این افراد در بین کسانی که کجروی فرهنگی متوسطی دارند حدود ۲۲ درصد است و در بین افراد دارای کجروی پایین به به شدت ناچیز و در حد ۲/۵ درصد است. بنابراین ملاحظه می شود که بخش قابل توجهی از کسانی که هنجارهای فرهنگ سنتی را در حد بالایی نقض می کنند به دلالت های اعتراضی و مقاومتی رفتار خود نسبت به نظام فرهنگی و سیاسی حاکم توجه دارند و تاحدی با چنین انگیزه های آنها مبادرت به انجام آنها می کنند.

برای فهم بیشتر انگیزه و معنای عمل کسانی که به صورت چشمگیری هنجارهای مربوط به سبک پوشش و آرایش رسمی و سنتی را نقض می کنند با شماری (۶ دختر و ۳ پسر). مصاحبه شد. این مصاحبه ها بر این امر دلالت دارد که انگیزه تقریباً تمامی آنان از استفاده از این سبک ها تنوع طلبی و شیک پوشی براساس انتخاب خود و با توجه به نظر مردم (اطرافیان شان) بوده است. برخی از آنها گفته اند که آنها در خانواده هایی زندگی می کنند که این سبک پوشش را ناپسند نمی دانند و فرزندان خود را در انتخاب پوشش آزاد می گذارند. در نتیجه سبک پوشش آنان که متعارض با هنجارهای فرهنگی مسلط است، از نظر آنان کاملاً عادی و با خرده فرهنگ خانوادگی و محیط نزدیک اجتماعی آنان همخوانی دارد. در این خصوص حرف های چند تن از این دانشجویان درباره دلیل استفاده از این سبک پوشش شنیدنی است:

- «در درجه اول تنوع طلبی هست. ولی آگاهانه انتخاب می کنم چیزهایی را که به نظرم قشنگ و شیک هستند.»
- «تا حدی تحت تاثیر تنوع طلبی و مد است. ولی این طور نیست که هر چی مد شد برم دنبالش. انتخاب می کنم.»
- «به شما بگم نه فقط جوانان بلکه همه انسانها تنوع طلب هستند. مادر من که جوان نیست در پوشش دنبال تنوع است. من هم همین طور.»
- «من این طور جامعه پذیر شده ام. دوستان و خانواده من این طوری بودند که من هم این طوری شدم. و اصلاً هنجار شکنی نمی کنم. جامعه من را این طوری بیشتر قبول داره. من ساده تر از اینها هم بوده ام. ولی جامعه من را این طوری بیشتر قبول داره.»
- «خانواده من مذهبی نیستند. پدر و مادرم به من پیشنهاد دادند که با یه پسر خوب دوست بشم و اونها رو هم در جریان بذارم.»
- «خانواده من اصلاً مذهبی نیستند. حجاب رعایت نمی شود... توی خانواده من مهم نیست که دوست پسر من خونه ما بیاد و با هم درس بخونیم و بیرون بریم. من با خانواده مشکلی ندارم ولی توی بیرون اعصاب آدم را خرد می کنند.»

□ «من و نسل من نسبت به حجاب خوب توجیه نشدیم. آگه روزی من توجیه بشم و بپذیرم که به نفع من است حتما رعایت می‌کنم.»

به نظر آنها دولت و حکومت این حق را ندارد که برای نحوه پوشش آدم‌ها براساس فرهنگ گروه خاصی تعیین تکلیف کند و وقتی چنین می‌کند طبیعی است که بی‌توجهی کسانی که این قوانین را رعایت نمی‌کنند تبدیل به مخالفت می‌شود و معنی مقاومت پیدا می‌کند:

□ «به نظر من پوشش یه مساله کاملاً شخصی است. نباید کمیته انضباطی و مراکز دیگر دخالتی در این مساله داشته باشند. من اصلاً قبول ندارم که این مراکز برای من تعیین تکلیف کنند.»

□ «کار و حرف آنها با من و دوستانم مثل اینه که من به اونها بگم چادرشان را بردارند، آرایش کنند. به نظر شما درسته که من و دوستانم با آنها این کار را انجام بدیم؟»

□ «تنوع فرهنگ و سلیقه در جامعه ما مهم نیست. چند نفر آدم مذهبی برای ما قانون وضع می‌کنند و می‌گویند اطاعت کنید.»

□ «در کشور ما خیلی زور می‌گویند. اون هم در ابتدایی‌ترین چیز (پوشش) که حق من است که با سلیقه خودم انتخاب کنم. نه تنوع قومی، نه تنوع سلیقه‌ها در وضع قوانین مطرح نیست و نتیجه‌اش هم اعتراض میشه.»

□ «تاکید بیش از اندازه این‌ها ... باعث تبدیل پوشش من به مخالفت میشه. در غیر این صورت خود من متوجه نبودم که دارم با قوانین مخالفت می‌کنم. چون قوانین را نمی‌دونستم. ولی الان متوجه شدم که من مخالف با قوانین کشور هستم.»

□ «... به نظر من در لباس پوشیدن خیلی مشکل ایجاد کرده‌اند که این باشه و اون نه. آدم وقتی به حجاب اعتقاد نداره ... و وقتی برای آدم تصمیم می‌گیرند که این جور لباس بپوشه و وقتی آدم قبول نداره و رعایت نمی‌کنه این یه جور مخالفت میشه.»

□ «من خودم به عنوان اعتراض این پوشش را انتخاب نکردم. این را دوست دارم. ولی آگه به خاطر این پوشش پرونده برام درست کنند و از چیزی محروم بشم. شروع می‌کنم به اعتراض و مخالفت از طریق این پوشش.»

در عین حال بیشتر افراد تاکید داشتند که به خاطر بی‌توجهی حکومت به حقوق آنها و به قول خودشان «گیر دادن» به وضع لباس و پوشش عمداً این وضع پوشش را انتخاب کرده‌اند تا مخالفت خود را ابراز کنند و در مقابل قوانین حکومت که از نظر آنها قابل قبول نیست مقاومت کنند. آنها همچنین اذعان داشتند که اگر دولت کاری به کار آنها نداشت شاید وضع پوشش ساده تر و به هنجارتری داشتند:

□ «دوستان خارجی من نه آرایش می‌کنند و نه روی مد هستند. این ما ایرانی‌ها هستیم که بیشتر آرایش کرده و به دنبال مد هستیم. این بیشتر به خاطر محدودیت‌هایی است که برای جوانان ایجاد شده است.»

□ «شاید آگه این همه تاکید نبود وضعیت پوشش بهتر از این بود. به خاطر این که آدم به جور تحریک میشه. انسان از هر چیزی که بخواهند ازش بگیرند روش حساس میشه. آگه تاکید نباشه هم پوشش بهتر و هم ساده‌تر میشه.»

□ «من موهام رو این طوری رنگ کردم و تو طرح امنیت هم بدتر از این بیرون می‌رفتم و می‌خواستم تو دهنی بهشون بزنم. اینها حق ندارند به من بگنند چی خوب و چی بد است. من خودم انتخاب می‌کنم خانواده من ایراد نمی‌گیرند و از لباس پوشیدن من خوششون می‌آد پس اینها چی میگن؟»

□ «من با این نوع پوشش و آرایش دارم با قوانین که بر خلاف میل و سلیقه من وضع شده، مخالفت می‌کنم.»

□ «من در برابر اینا که می‌خواهند راه راست را به من نشان بدهند مقاومت می‌کنم. چرا خودشون را پیامبر می‌دانند که ما را باید راهنمایی کنند. من به هیچ وجه حاضر نیستم که کوتاه بیام و به پوششی تن بدم که اونها می‌خوان. من مقاومت می‌کنم. من اون طوری لباس می‌پوشم و آرایش می‌کنم که خودم تشخیص میدم که درست است. ... بله.»

شاید آنگه اینا اینقدر تاکید نمی کردن روی این موضوع من ساده تر از اینا بودم شاید من در برابر اینا که میخوان منو هدایت کنن مقاومت می کنم.»

- «آنگه این مدل ریش و مو را انتخاب کرده ام، به این دلیل بود که دیدم افرادی را که توی خیابون گیر میدن چه تیپ هایی هستند. من هم دنبال اون مدل ها رفتم که مخالفی کرده باشم با این قوانین. به نظر من همه دختر و پسرا می توندن با پوشیدن چیزهایی که اونا باهاش مخالف هستند باید اعتراض خودشون را نشون بدن. ... با این همه تاکید، بله باعث شدن من که موهام این مدلی نبود برم موهام رو این مدلی بزنم که یه جوری اعتراض کنم.»
- «وقتی من احساس میکنم به من خوب رسیدگی نمیشه، حقوق من زیر پا گذاشته میشه، هیچ جا نمی تونم از حق خودم دفاع کنم بعد هم مثلا به من میگن فلان کار رو بکن و نکن و فلان لباسو بپوش و نپوش آدم احساس کمبود و حقارت می کنه و اعتراض می کنه.»

بنابراین، می توان نتیجه گرفت که انگیزه اصلی کسانی که هنجارهای فرهنگ سنتی و رسمی را نقض می کنند، تنوع طلبی و دنباله روی از مد یا انتخاب سبک های شیک است و در اکثر موارد این رفتار براساس هنجارهای محیط خانوادگی و به خصوص دوستانه آنها پذیرفته شده و عادی است. با وجود این، وقتی پیروی از هنجارهای مورد قبول خرده فرهنگ خودشان با محدودیت های قانونی مواجه می شود، معنای مخالفت و مقاومت پیدا می کند. در ادامه با تشدید محدودیت های قانونی، این هنجارشکنی ها به صورت آگاهانه و تعمدی دنبال و حتی تشدید می شود تا بدین وسیله به محدودیت هایی که موجه نمی داند اعتراض کنند و از نظر خودشان در مقابل قدرت و اراده حاکمان مقاومت کنند.

۷. نتیجه گیری

این مقاله در پی پاسخگویی به دو پرسش اساسی به شرح زیر بود:

۱. آیا کسانی که هنجارهای فرهنگ رسمی و سنتی را نقض می کنند افراد کم شمار و پراکنده ای هستند یا فراوانی آنها در حدی است که می توان از وجود یک خرده فرهنگ متمایز سخن گفت؟
۲. آیا نقض هنجارهای فرهنگی از نظر عوامل نوعی اعتراض و مقاومت در برابر گروه ها و فرهنگ غالب است یا صرفا جلوه ای از یک پسند و سلیقه عادی یا سبک زندگی متفاوت است؟

بر اساس نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده ها به نظر می رسد خرده فرهنگ ویژه ای در بین جوانان دانشجوی، به خصوص آنانی که متعلق به پایگاه های بالای اجتماعی هستند در حال شکل گیری است، یا شکل گرفته است که هنجارهای آن با برخی از هنجارهای فرهنگ رسمی و سنتی غالب ناهمخوان است. فراوانی و گستردگی این خرده فرهنگ در حدی است که نمی توان به آسانی آن را در حد یک اقلیت کوچک کجرو و فریب خورده تبلیغات بیگانگان ارزیابی کرد و رفتارهای مربوط به آن را مجرمانه تعریف کرد و با آنها برخورد انتظامی و قضایی کرد. با استناد به نظریه تضاد فرهنگی می توان استدلال کرد تلاش برای ارائه تعریف جرم در عرصه های فرهنگی صرفا بر اساس هنجارهای گروه های مسلط، بسیاری از مردم عادی را که براساس خرده فرهنگ خود زندگی روزمره اشان را دنبال می کنند، عملا در زمره متخلفان و قانون شکنان قرار می دهد. این پدیده در یک جامعه دارای تنوع و تکثر فرهنگی پیامدهای نامطلوبی برای انسجام اجتماعی خواهد داشت. نتیجه این امر تضعیف ارتباط خرده فرهنگ ها با فرهنگ کل و تبدیل شدن آنها به فرهنگ معارض است.

در خصوص دلالت های اعتراضی و مقاومتی این هنجارشکنی های فرهنگی، یافته های این پژوهش حاکی از آن است که اکثریت پاسخگویان (چه آنان که همخوان هستند و چه آنان که ناهمخوانند) انجام این رفتارها توسط جوانان را ناشی از تنوع طلبی و نوعی سبک زندگی می دانند و نه به خاطر مخالفت با حکومت و جامعه. با وجود این، در بین کسانی که به میزان بالایی هنجارهای فرهنگی را نقض می کنند نسبت کسانی که به عمل خود به نوعی معنای مقاومت و مخالفت می دهند حدود ۶۰ درصد است. در عین حال، مصاحبه عمیق با شماری از این افراد نشان داد که این افراد در

ابتدای امر رفتار خود را ناشی از یک سبک و سلیقه می‌دانند که آن را از محیط اطراف خود (خانواده و دوستان) فرا گرفته‌اند و بر آن اساس به زندگی عادی خود مشغولند. اما در مواجهه با برخوردهای انتظامی و امنیتی با این رفتار و الگوها نوعی حس مقاومت و مخالفت در آنها شکل می‌گیرد و رفتار خود را با لجابت بیشتر و برای ابراز مخالفت با دخالت‌هایی که آن را ناموجه می‌دانند ادامه می‌دهند به طوری که برخی از آنها ابراز کرده‌اند که اگر محدودیت‌های قانونی و انضباطی نبود شاید پوشش و آرایش ساده‌تری می‌داشتند.

بنابراین، به نظر می‌رسد، لازم است برنامه‌ریزان اجتماعی- فرهنگی کشور به این پدیده توجه ویژه‌ای مبذول دارند، چرا که اولاً، فراوانی این رفتار در بین جوانان در حدی است که به دشواری می‌توان هنجارشکنان را اقلیت کوچک کجروی دانست که بتوان با برخوردهای انتظامی و قضایی آنها را مهار کرد، و ثانیاً برخوردهای انتظامی و قضایی با موضوع می‌تواند موجب افزایش نارضایتی و تبدیل شدن این رفتار به نماد مقاومت در برابر فرهنگ رسمی شود و مدیریت موضوع را پیچیده‌تر و دشوارتر سازد.

در عین حال یافته‌های ارائه شده در این مقاله در مجموع حاکی از کم‌توفیقی مدیریت فرهنگی کشور برای تربیت نسلی است که با ارزش‌ها و هنجارهای دینی و سنتی رسمی و غالب هم‌نوا باشد. این مسئله مدیریت فرهنگی سیاسی را با دو پرسش اساسی زیر مواجه می‌کند:

۱. آیا هدف فرهنگی دنبال شده برای ایجاد جامعه‌ای که نوعی یکدستی فرهنگی در آن حاکم باشد هدف و انتظاری است که با شرایط و ساختارهای جامعه جدید همخوان نیست و به همین دلیل غیر واقع بینانه و دشواریاب است؟

۲. آیا هدف‌های دنبال شده درست و واقع بینانه است اما روش‌های اتخاذ شده برای حصول آنها روش‌های ناکارآمد و نامناسبی بوده است و لازم است در این روش‌ها تجدید نظر جدی شود؟

پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها از اهداف این مقاله خارج است، با وجود این به نظر می‌رسد تنوع فرهنگی ایجاد شده در جامعه جدید واقعیت غیرقابل انکار و اجتنابی است و تلاش برای ایجاد یکدستی فرهنگی قرین به توفیق نخواهد بود. به هر حال نحوه پاسخ‌دهی به پرسش‌های بالا تاثیر تعیین‌کننده‌ای بر سیاست فرهنگی کشور خواهد داشت. این موضوع یکی از چالش‌ها و وجوه افتراق و تمایز جریان‌های فکری سیاسی رقیب در جمهوری اسلامی در ارتباط با طراحی یک سیاست فرهنگی واقع بینانه و کارآمی باشد.